

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البیت» به خمسه طیبه در آیه تطهیر

* محمد امیری

** کیوان احسانی

چکیده

آیه تطهیر یکی از پرمناقشه‌ترین آیات قرآن بین مفسران فریقین پیرامون مسئله عصمت اهل بیت علیهم‌السلام است. مفسران شیعه «اهل البیت» را مختص خمسه طیبه علیهم‌السلام می‌دانند و در مقابل، برخی از مفسران اهل سنت «اهل البیت» را مختص زنان پیامبر، برخی دیگر شامل زنان پیامبر و خمسه طیبه و برخی دیگر آن را اعم از خویشان و اقوام پیامبر و ... می‌دانند. در این بین یکی از ادله مفسران شیعه بر این ادعا، «تغییر ضمیر» از جمع مؤنث به جمع مذکر در آیه تطهیر است. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی جهت نقد و ارزیابی این مطلب، به واژه‌شناسی کلمه «اهل» و موارد استفاده آن در لغت و قرآن پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر چند با استشهاد به شواهد تاریخی و استناد به روایات متقن، می‌توان ثابت کرد «اهل البیت» اختصاص به خمسه طیبه دارد، اما استناد اغلب مفسران شیعه به «تغییر ضمیر» محل بحث و تأمل است.

واژگان کلیدی

آیه ۳۳ احزاب، آیه تطهیر، اهل، اهل البیت، تفسیر تطبیقی

amiri.mo.a@gmail.com

k-ehsani@araku.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۲

*. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

** استادیار دانشگاه اراک.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۲

طرح مسئله

آیه تطهیر یکی از بحث‌برانگیزترین آیات قرآن در میان مفسران شیعه و اهل سنت محسوب می‌شود. تفاوت دیدگاه مفسران در تفسیر این آیه شریفه بیشتر به اختلاف نظر ایشان در مورد مصداق عبارت «اهل البیت» برمی‌گردد. همه مفسران شیعه بر این عقیده‌اند که مراد از «اهل البیت» در آیه تطهیر تنها و تنها خیمه طیبه؛ یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌باشند. (بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۵ / ۲۳۳ - ۲۰۶؛ مفید، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۱۰؛ طوسی، بی تا: ۸ / ۳۳۹؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ۸ / ۵۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۹۲؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۹۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۱)

این دیدگاه نه تنها مورد اجماع شیعه بوده و به طرق مختلف روایت شده، بلکه بسیاری از روایات اهل سنت نیز همین حقیقت را منعکس می‌کند. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۵؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۸۴؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۵ / ۱۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۷ - ۵) چنان که طبری در *جامع البیان* پانزده روایت را به طرق مختلف نقل کرده که همگی آنها مصداق اهل بیت در این آیه را بر خیمه طیبه تطبیق داده‌اند. (همان) حسکانی مفسر سنی مذهب قرن پنجم نیز، روایات وارده در این زمینه را بسیار فراوان دانسته است. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۸)

در مقابل، برخی دیگر از علمای اهل سنت مصادیق متعددی برای «اهل البیت» ذکر می‌کنند. در ادامه به برخی از این نظرات اشاره می‌شود:

منظور از «اهل البیت» در آیه تطهیر فقط و فقط زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و احدی غیر از آنان را دربر نمی‌گیرد. این ادعا به عکرمه منسوب است که در بازارها ندا می‌داد و مردم را برای مباحثه فرامی‌خواند. (بنگرید به: بلخی، ۱۴۲۳: ۳ / ۴۸۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۵ / ۱۹۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۳۸؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۸۴)

منظور از «اهل البیت»، همسران پیامبر و اصحاب کساء؛ یعنی پیامبر، علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام است. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۸۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۷۹)

منظور از «اهل البیت»، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و پدران آنان است. (همان)

منظور از «اهل البیت»، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و تمامی بنی هاشم هستند که صدقه بر آنان حرام شد. (همان؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۱۸۳؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۵ / ۱۹۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۱۹۵)

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البیت» به خمسه طیبه در آیه تطهیر □ ۶۳

در این میان یکی از ادله اغلب مفسران شیعه برای اثبات اختصاص «اهل البیت» به خمسه طیبه، «تغییر صیغه ضمیر» در آیه تطهیر است. (مفید، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۱۳؛ طوسی، بی تا: ۸ / ۳۴۱؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ۲۰ / ۱۱۴؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۴۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۲۹۴) توضیح آنکه؛ کلیات بحث آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب پیرامون زنان پیامبر است. از مجموع ۲۴ صیغه موجود، ۲۲ صیغه، ضمیر جمع مؤنث نظیر «تُنَّ، کُنَّ، نَ» است که به زنان پیامبر برمی گردد و فقط در بخش پایانی آیه ۳۳ دو ضمیر جمع مذکر (کم) به کار رفته است. برخی از علمای شیعه معتقدند که به خاطر تغییر صیغه، مخاطب آیه نیز تغییر کرده است، به عبارت دیگر مخاطب همه این آیات هفت گانه زنان پیامبرند و مخاطب بخش انتهایی آیه ۳۳ فقط و فقط خمسه طیبه هستند. از سوی دیگر علمای اهل سنت با استناد به وحدت سیاق این آیات، مخاطب بخش پایانی آیه ۳۳ را هم زنان پیامبر می دانند. این پژوهش در راستای نقد و ارزیابی علمی این استدلال مفسران شیعه و اهل سنت با رویکردی توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده است.

«اهل» در لغت

در ابتدای بحث لازم است نظر علمای لغت شناس پیرامون واژه «اهل» تبیین شود: راغب اصفهانی اهل یک فرد را در اصل کسانی می داند که با او در یک خانه زندگی می کنند و به طور مجاز به کسانی که او و آنها را در یک نسب جمع می کنند، اهل بیت آن فرد می گویند. وی می نویسد: «اهل یک فرد کسانی هستند که نسب یا دین یا چیزهای دیگری از این قبیل نظیر صنعت، خانه، شهر و ... او و آنها را در یک عنوان جمع کند». وی «أهلون»، «أهال» و «أهالات» را جمع کلمه «اهل» می داند ... و تصریح می کند که اهل یک فرد به معنای زن آن فرد است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۶) او «تَأَهَّلَ» را به معنای زمانی می داند که فرد ازدواج می کند، و جمله دعایی «أَهْلَكَ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ» را نیز از همین باب می داند. (همان: ۹۷)

ابن فارس معتقد است؛ اهل یک فرد عبارت است از همسر وی، و اهل بیت عبارتند از؛ ساکنین خانه. وی «أهلون» و «أهالی» را به عنوان جمع کلمه «اهل» ذکر می کند. (به نقل از: مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۶۸)

علامه مصطفوی معنای حقیقی ماده «اهل» را تحقق انس همراه با تعلق خاطر و وابستگی به یکدیگر می داند، که مراتب متفاوتی دارد و شامل همسر، دختران، پسران، نوه ها و دامادها می شود. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۶۸)

طریحی اهل یک فرد را اعم از شیعیان و پیروان و هم‌کیشان او می‌داند و به کار بردن «اهل‌بیت» را به‌خاطر تبعیت زیاد اهل خانه از وی می‌داند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۳۱۴)

ابن منظور اهل‌بیت را ساکنین خانه تعریف کرده و اهل یک فرد را خاص‌ترین افراد به او معرفی می‌کند. وی به نقل از ابن‌سیده اهل یک فرد را خویشان و نزدیکان او دانسته و جمع آن را «أهلون»، «أهال»، «أهالی»، «أهلات» و «أهلات» ذکر می‌کند. او همچنین به نقل از سیبویه می‌گوید: «هر جا اهل مذکر باشد با واو و نون جمع بسته می‌شود و هرگاه مؤنث باشد به شکل أهلات» (ابن‌منظور، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۲۸) این لغت‌شناس معروف مقصود از اهل الرجل را همسر وی دانسته و «أهل فلان امرأة يأهل» را به معنای ازدواج فرد می‌گیرد. وی مراد از جمله «أهلك الله في الجنة إيهالاً» را به معنای اینکه خداوند تو را در بهشت به ازدواج درآورد، می‌گیرد و با اشاره به حدیث نبوی «أعطى الآهیل حظین والعزب حظاً» تصریح می‌کند: «الآهیل: الذي له زوجة وعیال؛ الآهیل کسی است که زن و خانواده دارد». (همان)

خلیل بن احمد نیز اهل یک فرد را همسر وی و خاص‌ترین مردم نسبت به او می‌داند. او اهل‌بیت را ساکنین خانه و «أهلون» و «أهلات» را به‌عنوان جمع «اهل» ذکر می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴ / ۸۹)

خلاصه اینکه؛ «اهل» هر فرد کسانی هستند که به‌سبب قرابت و نزدیکی، انس و الفت و یا به‌واسطه وابستگی به چیزی نظیر خانه، شهر، کار، دین و ... به آن فرد تعلق و ارتباط پیدا می‌کند. برخلاف دیدگاه جعفر مرتضی، که با برشمردن نظر برخی از لغویون معتقد است؛ «اطلاق عبارت «اهل‌البیت» از نظر لغوی بر همسران پیامبر ﷺ، دست‌کم مورد شک بزرگی است» (عاملی، ۱۳۷۲: ۵۶)، قریب به اتفاق لغویون دست‌کم مصداق «اهل» را همسر انسان معرفی می‌کنند و به‌لحاظ وابستگی و انسی که اعضای خانه به‌خاطر سکونت در آن دارند «اهل‌البیت» را ساکنین خانه تعریف می‌کنند.

از آنجا که لغت‌شناسان جمع «اهل» را گاه به‌صورت «أهلون»، «أهال» و «أهال» و گاه به‌صورت «أهلات» و «أهلات» مطرح می‌کنند، درمی‌یابیم که «اهل» کلمه‌ای جائز‌الوجهین است، یعنی گاه مذکر به کار برده می‌شود و گاه به‌صورت مؤنث.

«اهل» در قرآن

کلمه «اهل» و مشتقات آن بیش از ۱۳۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است که برخی از ترکیب‌های آن عبارتند از: أَهْلُ الْكِتَابِ، أَهْلُ الْإِنجِيلِ، أَهْلُ الْقُرَى، أَهْلُ الْمَدِينَةِ، أَهْلُ الْبَيْتِ، أَهْلُ الذَّكْرِ، أَهْلُ هَذِهِ الْقَرْيَةِ، أَهْلُ النَّارِ، أَهْلُ التَّقْوَى، أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ و ...

از این تعداد، ترکیب «اهل» و «بیت» فقط سه‌بار در قرآن به کار رفته است؛ دوبار به شکل معرفه

«اهل البيت»؛ یکی درباره اهل بيت حضرت ابراهيم عليه السلام که ملائکه خطاب به همسر وی گفتند: «رَحِمَتُ اللّٰهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْاَيْتِ» (هود / ۷۳) و دیگری درباره اهل بيت پيامبر اسلام صلى الله عليه وآله در آيه «اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْاَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳) که به آيه «تطهير» مشهور است. يكبار هم به شكل نكره، «اهل بيت» در داستان حضرت موسى عليه السلام، زمانی که نوزادی کوچک بود و خانواده فرعون او را پیدا کردند ولی او از هیچ زنی شیر نخورد، آنگاه خواهر موسى عليه السلام به آنان گفت: «هَلْ اَدَّلَكُمْ عَلٰى اَهْلِ بَيْتٍ يَّكْفُلُوْنَہُ لَكُمْ وَ هُمْ لَہُ نَاصِحُونَ» (قصص / ۱۲) آیا شما را به خاندانی راهنمایی کنم که او را برای شما سرپرستی کنند، درحالی که آنان خیرخواه او هستند؟!»

نگارندگان با دقت فراوان در تمام موارد استفاده «اهل» در قرآن، دریافتند که:

اولاً؛ در چند آیه از این آیات، واژه «اهل». یا مستقیماً درباره «زن و همسر» به کار رفته و یا آنها را عضوی از اعضای خانواده مطرح کرده است. برخی از این آیات به شرح زیر است:

در داستان حضرت یوسف عليه السلام، زلیخا خطاب به همسرش می گوید: «قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ اَرَادَ بِاَهْلِكَ سُوءًا اِلَّا اَنْ يُسَجَنَ اَوْ عَذَابٌ اَلِيمٌ» (یوسف / ۲۵) و از خود به اهل تعبیر می کند.

در آیات متعددی درباره داستان حضرت لوط عليه السلام این چنین آمده است: «فَاتَّجِنَتْهُ وَاَهْلُهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ» (اعراف / ۸۳)؛ «فَاتَّجِنَتْهُ وَاَهْلُهُ اَجْمَعِينَ * اِلَّا عَجُوزًا فِی الْغَابِرِينَ» (شعراء / ۱۷۱ - ۱۷۰)؛ «اِذْ نَجَّيْنَاهُ وَاَهْلَهُ اَجْمَعِينَ * اِلَّا عَجُوزًا فِی الْغَابِرِينَ» (صافات / ۱۳۵ - ۱۳۴)؛ «قَالَ اِنَّ فِیْهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَنْ فِیْهَا لَنَنْجِيْہُ وَاَهْلَهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ * وَ لَمَّا اَنْ جَاءَتْ رُسُلْنَا لُوطًا سِیءَ بِہُمْ وَضَاقَ بِہُمْ دَرْعًا وَ قَالُوا لَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ اِنَّا مُنْجُوْكَ وَاَهْلَكَ اِلَّا امْرَاَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ» (عنکبوت / ۳۳ - ۳۲)؛ «فَاتَّجِنَتْهُ وَاَهْلُهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ قَدَّرْنَاہَا مِنَ الْغَابِرِينَ» (نمل / ۵۷) در همه این آیات ابتدا سخن از نجات «اهل» حضرت لوط عليه السلام است و سپس همسر لوط را از آن استثنا می کند، به عبارت دیگر اهل شامل همسر وی نیز می شود ولی برای رفع سوء برداشت، به سرعت او را از این جمع جدا می کند.

در داستان حضرت ایوب عليه السلام آنگاه او که امتحان های سخت را پشت سر می گذارد، خداوند زن و فرزندش را یکبار دیگر به وی عطا می کند؛ «وَ هَبْنَا لَہُ اَهْلًا وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَ ذِكْرًا لِاُولٰٓئِی الْاَلْبَابِ». (ص / ۴۳)

ثانیاً؛ داب قرآن این است که هر جا واژه «اهل» را استفاده می کند و ضمیری بدان اسناد می دهد، آن ضمیر در صیغه جمع مذكر است. برای جلوگیری از اطاله کلام برای نمونه تنها به برخی از این آیات اشاره می شود:

وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرٰی اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَیْہِمُ بَرَکَاتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَ الْاَرْضِ وَ لٰکِنْ

كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ. (اعراف / ۹۷ - ۹۶)

وَ جَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ. (حجر / ۶۷)
لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ ... (حدید / ۲۹)

فَأُتْلِفًا حَتَّىٰ إِذَا أَتَىٰ أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُضَيِّفُوهُمَا ... (كهف / ۷۷)
وَ حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ. (قصص / ۱۲)

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ. (قصص / ۲۹)

خلاصه اینکه؛ با توجه به آنچه که در معنای لغوی اهل بیان شد، استعمال ترکیب‌هایی چون؛ اهل‌الکتاب، اهل‌الانجیل، اهل‌المدينة، اهل‌الذکر، اهل‌التقوی، اهل‌النار و ... در قرآن با در نظر گرفتن انس، تعلق و وابستگی بین آنها است و شدت و ضعف در اهلیت، به‌شدت و ضعف در این انس و تعلق بستگی دارد، از این‌رو قرآن کریم آنان را که با پیغمبری هم عقیده باشند و به او ایمان آورند، اهل و ذریه او می‌داند و از کسانی که وابستگی و تعلق روحی و معنوی با او ندارند، سلب اهلیت می‌کند، هرچند که از فرزندان او باشند، همان‌گونه که خدا درباره فرزند حضرت نوح علیه السلام فرمود: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ». (هود / ۴۶)

با دقت فراوان در تمام موارد استفاده «اهل» در قرآن، می‌توان گفت که اولاً؛ در برخی از آیات قرآن، واژه «اهل» یا مستقیماً درباره «زن و همسر» به‌کار رفته و یا آنها را عضوی از اعضای خانواده مطرح کرده است و ثانیاً؛ با توجه به موارد اسناد ضمیر به واژه «اهل»، می‌توان گفت قرآن همیشه ضمیری در صیغه جمع مذکر به کلمه اهل اسناد می‌دهد.

بررسی علل تغییر ضمیر در آیه تطهیر

الف) دیدگاه برخی از علما و مفسران شیعه
همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، یکی از ادله علمای شیعه مبنی بر اختصاص عبارت «اهل‌البیت» به خیمه طیبه، «تغییر ضمیر» در آیه تطهیر است. ایشان معتقدند که چون ضمایر مؤنث موجود در این آیات هفت‌گانه یک‌باره به ضمیر مذکر تغییر کرده‌اند، مخاطب آیه نیز به تبع آن تغییر می‌کند و

افاده معنای جدیدی می‌کند. در ادامه به برخی از این نظرات اشاره می‌شود:

شیخ مفید در تفسیر خود با اشاره به اینکه در کلام عرب (میم) علامت جمع مذکر و (نون) علامت جمع مؤنث است و استعمال این دو علامت به جای یکدیگر چه در حقیقت و چه در مجاز جایز نیست، به آیه تطهیر اشاره کرده و می‌گوید: «فلما جاء بالمیم و أسقط النون، علمنا أنه لم يتوجه هذا القول إلي المذكور الأول؛ پس چون «میم» را آورد و «نون» را برداشت، می‌فهمیم که آن مطلب متوجه مخاطب ابتدایی نیست». (مفید، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۱۳)

شیخ طوسی با ردّ نظر عکرمه که اهل بیت را منحصر در همسران پیامبر می‌داند، می‌گوید:

و هذا غلط، لأنه لو كانت الآية فيهن خاصة لكني عنهم بكناية المؤنث، كما فعل في جميع ما تقدم من الآيات ... فكان يجب أن يقول إنما يريد الله ليذهب عنكن الرجس اهل البيت و يطهركن، فلما كنا بكناية المذكر دلّ على ان النساء لا مدخل لهن فيها. (طوسی، بی تا: ۸ / ۳۴۱)

اگر آیه مخصوص زنان پیامبر بود باید مثل آیات قبل با ضمیر مؤنث آنها را خطاب می‌کرد، پس حالا که از ضمیر مذکر استفاده کرده، این را می‌رساند که آنها هیچ مدخلیتی در این قسمت از آیه ندارند.

طبرسی در ذیل آیه مورد بحث و در توجیه تغییر ضمیر، التفات ضمیر از مخاطب به غیر و سپس بازگشتن به آن را عادت فصحای عرب دانسته و دأب قرآن را این‌گونه می‌داند. (طبرسی، ۱۳۵۰: ۲۰ / ۱۱۴)

ابوالفتوح رازی نیز در این باره معتقد است که ظاهر قرآن مانع از این است که ضمائر مذکر را برای زنان استفاده کند. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۴۱۷)

علامه طباطبایی نیز با ذکر همین استدلال می‌گوید: «مراد از اهل بیت در اینجا فقط زنان پیامبر نیست، چراکه آیه آنان را با ضمیر «عنکم» خطاب داده و هیچ‌گاه صحیح نیست ضمیر مردان را به زنان ارجاع دهند.» ایشان ادامه می‌دهند: «فأما أن يكون الخطاب لهنّ و لغیرهنّ ... أو يكون الخطاب لغیرهنّ؛ پس یا باید گفت منظور از اهل بیت زنان پیامبر و دیگران هستند ... و یا اینکه مخاطب آیه افرادی غیر از ایشان اند». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۰)

قرشی با اشاره به تغییر ناگهانی ضمیر در این آیات هفت‌گانه می‌گوید: «از این تغییر وضع، یقین می‌کنیم که مراد از «عَنْكُمْ وَ يُطَهَّرُكُمْ» جمعی است که همه‌شان و یا اکثرشان مرد هستند و گرنه مثل سیاق قبل می‌فرمود: (لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ يُطَهَّرَكُنَّ)». (قرشی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۳۵)

صاحب تفسیر نمونه نیز تصریح می‌کند: «ضمیرهایی که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت جمع مؤنث است، درحالی که ضمائر این قسمت از آیه همه به صورت جمع مذکر است و این نشان می‌دهد معنای دیگری در نظر بوده است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۲۹۴)

جوادی آملی نیز در توجیه تغییر ضمیر به همین معنا اشاره کرده و می‌گوید: «التفات از مخاطبی به مخاطب دیگر که یکی از فنون بلاغت است و به کارگرفتن جمله معترضه که حاکی از اهمیت و فوریت مطلب است، دو مانع جدی برای حکم قطعی به وحدت مخاطب در مجموع این هفت آیه است، از این رو تغییر در خطاب، گویای تغییر مخاطب است. بر این اساس مفسران مکتب امامت معتقدند مخاطب آیه تطهیر که ضمائر جمع مذکر (کن، تن، ن) آمده است». (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۶۶)

خلاصه اینکه؛ با دقت در آنچه که بیان شد به روشنی می‌توان دریافت که «تغییر ضمیر» یکی از مهم‌ترین ادله اغلب علمای متقدم و متأخر شیعه مبنی بر ردّ شمول زنان پیامبر در مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر است. حال به ارزیابی دیدگاه برخی از مفسران اهل سنت پرداخته و به طور مختصر به برخی از این نظرات اشاره می‌شود:

(ب) دیدگاه برخی از مفسران اهل سنت

مقاتل بن سلیمان بلخی با نظر به معنای لغوی اهل بیت و با استدلال به اینکه چون زنان پیامبر در خانه ایشان هستند، مقصود از اهل بیت را همسران پیامبر دانسته و می‌گوید: «يَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ یعنی نساء النبي لأنهن في بيته وَ يُطَهَّرُكُمْ مِنَ الْإِثْمِ الَّذِي ذَكَرَ فِي هَذِهِ الْآيَاتِ تَطْهِيراً». (بلخی، ۱۴۲۳: ۳ / ۴۸۹)

سمرقندی در استدلال به چرایی استفاده از ضمیر مذکر، به لفظ «اهل بیت» اشاره کرده و می‌گوید: «لأن لفظ أهل البيت يصلح أن يذكر و يؤنث؛ چون لفظ اهل بیت می‌تواند مذکر و یا مؤنث واقع شود». (سمرقندی، بی تا: ۳ / ۶۰)

ابوحیان اندلسی پس از آن که ادعا می‌کند آیات هفت‌گانه مخاطب مشترک دارند، در اظهار نظر عجیبی همسران پیامبر و پدران ایشان را مشمول (أهل البيت) دانسته و با اشاره به قاعده تغلیب این تغییر ضمیر را توجیه می‌کند و می‌گوید: «و لما كان أهل البيت يشملهن و آباءهن، غلب المذكر على المؤنث في الخطاب في: عَنْكُمْ، وَ يُطَهَّرُكُمْ». (اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۷۹)

ابن عاشور حضور پیامبر در خانه و در جمع زنان خویش و استفاده از قاعده تغلیب را علت آوردن ضمیر مذکر دانسته و می‌گوید: «و إنما جيء بالضميرين بصيغة جمع المذكر على طريقة التغليب لاعتبار النبي

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البيت» به خمسه طيبه در آيه تطهير □ ۶۹

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي هَذَا الْخُطَابِ لِأَنَّهُ رَبُّ كُلِّ بَيْتٍ مِنْ بَيْوتِهِمْ وَهُوَ حَاضِرٌ هَذَا الْخُطَابِ إِذْ هُوَ مَبْلُغُهُ». (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۶)

ابن جوزی نیز حضور رسول خدا ﷺ در میان زنان و نیز استفاده از قاعده تغليب را علت به کار بردن ضمير مذکر می‌داند و می‌گوید: «لأنَّ رسولَ الله ﷺ كان فيهنَّ فغلبَ المذكر». (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۶ / ۳۸۱) قرطبی با استناد به سیاق آیات، خمسه طيبه را همراه با زنان پیامبر در زمرة اهل بيت دانسته و استفاده از ضمير مذکر را از باب تغليب، ضابطه‌ای کلی برمی‌شمارد و می‌گوید: «لأنَّ رسولَ الله صلى الله عليه و عليا و حسنا و حسينا كان فيهم، و إذا اجتمع المذكر و المؤنث غلبَ المذكر، فاقترضت الآية أن الزوجات من أهل البيت، لان الآية فيهن، و المخاطبة لمن يدل عليه سياق الكلام.» (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۸۳) آلوسی یکی دیگر از مفسرين اهل سنت در توجیه اختلاف ضمائر می‌گوید:

و أورد ضمير جمع المذكر في (عَنكُمْ) و (يُطَهَّرُكُمْ) رعاية للفظ الأهل والعرب كثيراً ما يستعملون صيغ المذكر في مثل ذلك رعاية للفظ. (آلوسی، بی تا: ۱۱ / ۱۹۴) (کم) در این دو مورد برای مراعات لفظ (أهل) مذكر آورده شده است و عرب در مثل چنین حالتی بسیار از صيغه مذكر استفاده می‌کند.

وی برای این مدعا به آیه «قَالُوا أَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود / ۷۳)، که در آن ملائکه در پاسخ به تعجب همسر حضرت ابراهیم ﷺ که مفرد مؤنث بود، ضمير جمع مذكر (عَلَيْكُمْ) به کار برده‌اند و آیه «فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ...» (طه / ۱۰)، که در آن همسر موسی ﷺ که با (أهله) به او اشاره شده است نیز مفرد مؤنث بوده، ولی برایش جمع مذكر (امكثوا) و (ئاتيكم) به کار رفته، استشهاد می‌کند. (همان) جوادى آملی در ردّ نظر آلوسی دو اشکال لفظی وارد می‌کند: نخست اینکه؛ ایشان در ضمن سؤالی می‌پرسد:

آیا دو ضمير «کم» خصوصیت خاصی دارند که به اعتبار لفظ «أهل» مذكر آمده ولی ۲۲ ضمیری که در مجموع این هفت آیه آمده‌اند، آن خصوصیت را ندارند؟ اگر مراعات لفظ «أهل» اقتضای چنین تغییری را دارد، باید در هشت ضمير این آیه یا حداقل دو ضمير بعد از کلمه «أهل»، در آیه بعدی نیز چنین می‌شد. (جوادى آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۱۳۵)

در پاسخ به این اشکال باید گفت که؛ تنها خصوصیتی که باعث شده این دو ضمير مذكر به کار

برده شوند «رعایت لفظ اهل» است. توضیح آنکه در آیات قبل مخاطب زنان پیامبر بوده اند و از کلمه اهل استفاده نشده، از این رو ضمائر جمع مؤنث به کار رفته است، ولی در قسمت آخر آیه ۳۳ چون لفظ اهل به کار رفته، به اعتبار لفظ آن از ضمیر مذکر استفاده شده است.

اشکال دومی که آیت‌الله جوادی آملی مطرح می‌کنند این است که: این توجیه [رعایت لفظ اهل] در صورتی صحیح است که ارجاع ضمیر مؤنث به «اهل»، غلط باشد، درحالی که «اهل» کلمه‌ای جایز‌الوجهین است؛ یعنی هم ضمیر مذکر به آن برمی‌گردد و هم ضمیر مؤنث. ایشان برای تأکید بر این مطلب به قول «سمرقندی» استناد می‌کنند، که می‌گوید: «لفظ اهل البیت می‌تواند مذکر و مؤنث واقع شود.»^۱ ایشان همچنین با نقل این مطلب از زمخشری مبنی بر اینکه اگر به جای (هذه القرية الظالم أهلها) می‌فرمود: «الظالمه أهلها» باز هم صحیح بود، به جایز‌الوجهین بودن «اهل» تأکید می‌کند.^۲ (همان: ۱۳۶)

در پاسخ به اشکال دوم باید گفت همان‌گونه که در ابتدای بحث بدان اشاره شد، هرچند اهل واژه‌ای جایز‌الوجهین است و اغلب لغویون «اهلون»، «أهلات»، «أهلات» و ... را به عنوان جمع «اهل» ذکر کرده‌اند اما آنچه که انکارناپذیر است این است که هرگاه قرآن در آیه‌ای از لفظ اهل استفاده کند و ضمیری بدان اسناد دهد، آن ضمیر همیشه در صیغه جمع مذکر به کار می‌رود، آیه تطهیر نیز از این امر مستثنا نیست.

ایشان در ادامه می‌نویسد: «شاهد ادعای زمخشری و سمرقندی این است که اولاً قرآن کریم که غالباً واژه «اهل» را در مذکر استعمال کرده و فعل یا ضمیر مذکر به آن اسناد داده، در آیه «شَعَلْنَا أَمْوَالَنَا وَأَهْلُونَ» فعل مؤنث نیز به آن اسناد داده است. «أهلونا» فاعل «شَعَلْنَا» است که «و» علامت رفع آن است.» (همان: ۱۳۷) وی این قول را به اعراب القرآن درویش اسناد می‌دهد. (همان) از این جمله می‌توان دو نوع برداشت نمود، اول اینکه؛ زمخشری و سمرقندی به آیه «شَعَلْنَا أَمْوَالَنَا وَأَهْلُونَ» استشهاد کرده، و آیت‌الله جوادی آملی فقط این استشهاد را نقل کرده باشد و دوم اینکه آیت‌الله جوادی آملی برای تأکید بر ادعای زمخشری و سمرقندی به این آیه استشهاد کرده باشد. در فرض اول، نگارنده با دقت فراوان در تفاسیر کشاف و بحرالعلوم ذیل آیات مورد بحث چنین مطلبی را نیافت. در فرض دوم باید گفت؛ این مطلب جای بسی تأمل دارد؛ چراکه فعل «شَعَلْنَا» به‌خاطر اسناد به «اموالنا» که جمع غیر عاقل است و حکم مفرد مؤنث دارد، تأنیث شده و اساساً فعل

۱. و قال (عنکم) بلفظ التذکیر و لم یقل «عنکن» لأن لفظ «أهل البیت» یصلح أن یدکر و یؤنث. (سمرقندی، بی‌تا: ۳ / ۶۰)

۲. و لو أُنث فقیل: الظالمه أهلها، لجاز لا لتأنیث الموصوف و لکن لأن الأهل یدکر و یؤنث. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۳۵)

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البيت» به خمسه طيبه در آيه تطهير □ ۷۱

در جنسيت از فاعل خویش تبعیت می‌کند نه از معطوف فاعل، چنان که محیی‌الدین درویش در این زمینه، «اهلونا» را ملحق به جمع مذکر سالم و عطف به «اموالنا» می‌داند، (درویش، ۱۴۱۵: ۹ / ۲۳۷) دعاس نیز «اموالنا» را فاعل «شغلنا» دانسته و «اهلونا» را معطوف به آن ذکر می‌کند. (دعاس، ۱۴۲۵: ۳ / ۲۴۳)

ایشان در نقد این استدلال، با اشاره به تفسیر آلوسی در ذیل آیات مشابه در سوره های «طه»، «نمل» و «قصص» می‌گوید:

او [آلوسی] در هیچ‌یک از این موارد تبعیت ضمیر جمع در (سَاتِيكُمْ)، (ءَاتِيكُمْ)، (تَصْطَلُونَ) از لفظ «أهل» را اصلاً مطرح نکرده است، بلکه همواره بر این باور است که چون همسر موسی عليه السلام هنگام حرکت آن حضرت به سوی آتش و نور مقدس وادی طور تنها نبود، کلیم خدا با ضمیر جمع به آنها خطاب کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۱۴۲)

در پاسخ باید گفت که اولاً؛ این طور نبوده که آلوسی تبعیت ضمیر جمع از لفظ اهل را اصلاً مطرح نکرده باشد، بلکه وی به عنوان یک قول از احتمال رعایت لفظ «اهل» در این آیات یاد می‌کند؛ «و الخطاب قيل: للمرأة والولد والحادم، و قيل: للمرأة وحدها. و الجمع إما لظاهر لفظ الأهل أو للتفخيم» (همان: ۸ / ۴۸۱)، ثانیاً؛ به فرض این که جمع کثیری همراه حضرت موسی بوده باشند سخن اینجاست که در این آیات به‌خاطر رعایت لفظ اهل ضمیر مذکر آورده شده، چه تعداد اهل یک نفر باشد و چه جمع کثیری. نگارنده با این سؤال که آیا ائمه معصومین عليهم السلام تغییر ضمیر از جمع مؤنث به جمع مذکر را به عنوان یکی از ادله اثبات اختصاص عبارت «اهل البيت» به خویش مطرح کرده‌اند یا خیر، به جستجو در منابع حدیثی شیعی پرداخت و تنها با یک حدیث مواجه شد که در آن این استدلال مطرح شده بود و آن حدیث این است: «عنه: قال أبو الجارود: و قال زيد بن علي بن الحسين عليه السلام: إن جهالا من الناس يزعمون أنما أراد بهذه الآية أزواج النبي، و قد كذبوا و أمثوا، و إيم الله لو عني بها أزواج النبي قال: ليذهب عنك الرجس، و يطهركن تطهيرا. و لكان الكلام مؤثرا، كما قال: و اذكرن ما يُثلي في بيوتكن و لستن كأحد من النساء» (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۹۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۴۶۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵ / ۲۱۳) که اولاً؛ سلسله راویان این حدیث مجهول و به ابوالجارود منسوب شده است، و ثانیاً؛ به فرض صحت سند، این حدیث از زید بن علی بن الحسین عليه السلام نقل شده، که هر چند قابل احترام است اما سخن معصوم نیست و آنچه که ظاهر است این است که ائمه اطهار عليهم السلام هیچ‌گاه با استدلال به تغییر ضمیر مدعی خود را اثبات نکرده‌اند.

خلاصه اینکه؛ همان‌گونه که به تفصیل اشاره شد قاطبه مفسران اهل سنت با استناد به وحدت سیاق آیات، همسران پیامبر را نیز در مصادیق «اهل‌البیت» داخل کرده و تغییر ضمیر را با قاعده «تغلیب» و یا رعایت «ظاهر لفظ اهل» توجیه می‌کنند. توضیح آنکه؛ اگر به تنهایی و بدون هیچ پیش‌فرضی با این آیات روبه‌رو شویم، طبق سیاق آیات، مخاطب آن زنان پیامبر هستند. حال اگر:

۱. شخص پیامبر را یکی از اعضای اهل بیت خویش در نظر بگیریم، قرآن طبق قاعده تغلیب از صیغه جمع مذکر استفاده کرده و این بلامانع و حتی مطابق با قواعد عرب است.

۲. اهل بیت را منحصر در زنان پیامبر در نظر بگیریم و شخص پیامبر را در مصادیق اهل بیت داخل نکنیم، روش معمول قرآن ایجاب می‌کند که برای رعایت لفظ اهل از ضمائر مذکر استفاده نماید.

نتیجه این نگاشته تا اینجا، این است که بی‌تردید ترکیب «اهل‌البیت» از لحاظ استعمال لغوی مطلق است و می‌تواند بسیاری از وابستگان پیامبر از جمله همسران او را شامل شود، چنان‌که استعمال‌های قرآنی نیز آن را تأیید می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌گوید:

بحث لغوی به تنهایی در به‌دست آوردن مراد متکلم کفایت نمی‌کند؛ زیرا در هر استعمالی متکلم حق دارد از باب «حکومت» یا «ورود»، گستره معنای لغوی را توسعه دهد و یا مضیق گرداند ... و به اصطلاح اصول فقه «مراد جدی» متکلم غیر از «مراد استعمالی» او باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵ / ۵۹)

در پایان توجه به چند نکته مهم در تعیین مصداق حقیقی «اهل‌البیت» و به تبع آن تفسیر این آیه شریفه بسیار ضروری است:

شان نزول آیه تطهیر

در تفاسیر شیعه و اهل سنت دو دسته روایت در شأن نزول این آیات وارد شده است. نخست روایاتی که در شأن دو آیه ۲۸ و ۲۹ آمده و دوم روایاتی که در شأن قسمت آخر آیه ۳۳ بیان شده است. در مورد دسته نخست دو نقل وجود دارد:

پیامبر اکرم ﷺ چند روزی برای نماز در مسجد حاضر نشدند. این عدم حضور برای مردم سؤال بود. عمر علت این امر را چویا شد. وقتی به محضر پیامبر رسید با خود گفت: خوب است چیزی بگویم تا پیامبر بخندد، از این رو گفت: اگر ببینم فلانی [منظور وی همسر خودش بوده است] از من نفقه می‌خواهد، به شدت کنکش می‌زنم، پیامبر فرمود: همین [تقاضای نفقه غیر متعارف] مرا از [حضور در جمع] شما باز داشته است. آنگاه عمر به سراغ دخترش حفصه رفت و گفت: از رسول خدا

چیزی تقاضا نکن؛ اگر چیزی خواستی به خودم مراجعه کن؛ سپس به سراغ دیگر همسران آن حضرت رفت ... پس از این جریان، آیات «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ ... أَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب / ۲۹ - ۲۸) نازل شد. پیامبر اکرم ﷺ پیش از دیگران عایشه را در جریان نزول این آیه گذاشت و او را بین ترجیح آخرت بر دنیا و زندگی با آن حضرت و بین ترجیح دنیا بر آخرت و جدایی از او مخیر کرد، اما عایشه زندگی با آن حضرت را برگزید؛ سپس دیگر همسران را بین این دو مخیر کرد، ولی همگی ادامه زندگی با آن حضرت را برگزیدند. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۹۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۴۸۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۶۴؛ عنایة، ۱۴۱۱: ۳۱۵؛ بخاری ۱۴۷۸: ح و احمد بن حنبل، ۳ / ۳۲۸؛ به نقل از: العک، ۱۴۲۴: ۲۷۴)

همسران پیامبر به یکدیگر حسادت هتوگرانه می‌ورزیدند، از این رو پیامبر اکرم ﷺ یک ماه از آنها کناره گرفت، آنگاه آیه تخییر همسران او نازل شد. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / ۹۹)

دسته دوم روایاتی است که سبب نزول بخشی از آیه ۳۳ را بیان می‌کند؛ بدین شرح که «روزی پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ همگی در خانه ام‌سلمه گردهم می‌آیند، سپس پیامبر ایشان را با عبایی می‌پوشاند و می‌گوید: «خدا یا! اینها اهل بیت من هستند، پس رجس و ناپسندی را از اینها دور کن و مطهرشان گردان»، در این حال آیه تطهیر نازل می‌شود. آنگاه ام سلمه عرض می‌کند: ای رسول خدا! آیا من نیز جزو این مجموعه هستم؟ و پیامبر در جواب او می‌فرماید: تو بر خیر هستی». (همان: ۲۲ / ۷؛ مفید، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۱۰؛ طوسی، بی‌تا: ۸ / ۳۳۹؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ۸ / ۵۵۹؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۹۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۱؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۷۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴ / ۱۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳ / ۶۳۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۳۸۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳ / ۴۶۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱؛ العک، ۱۴۲۴: ۲۷۴؛ عنایة، ۱۴۱۱: ۳۱۵)

با توجه به همین شأن نزولها، علامه طباطبایی با ذکر این مطلب که در هیچ یک از ۷۰ طریق متعددی که در ذیل آیه تطهیر از شیعه و اهل سنت نقل شده، حتی یکی از آنها نیز به نزول قسمت انتهایی آیه ۳۳ در خلال آیاتی که مخاطب آنها زنان پیامبر است، اشاره ندارد، معتقد است که این قسمت از آیه مورد بحث، مستقلاً و در یک واقعه جداگانه نازل شده است و تنها و تنها به خمسه طیبه اختصاص دارد و همسران پیامبر مشمول آن نیستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۱۲)

وی در ادامه می‌افزاید:

حال [این قسمت از آیه] یا به دستور رسول خدا ﷺ در بین آن آیات قرار گرفته و یا بعد از رحلت رسول خدا ﷺ اصحاب در هنگام تالیف آیات قرآنی در آنجا نوشته‌اند. مؤید این احتمال این است که اگر این قسمت از آیه تطهیر از

بین جملات آیه «وَوَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» حذف شود، اتصال و انسجام آن به هم نمی خورد. (همان)

حسکانی عالم سنی مذهب قرن پنجم نیز در این باره می گوید:

احادیث رسیده بر نزول این آیه کریمه در شأن اهل بیت متواتر است. به تصریح اکثر این احادیث که غالبشان صحیح هستند و در صحاح روایت شده اند؛ منظور از اهل بیت علی، فاطمه، حسن و حسین هستند ... منابع این احادیث غیر قابل شمارش است، ولی ما به آنچه که از آنها متداول و نشر یافته است اشاره می کنیم. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹ / ۲)

وی سپس به تفصیل این احادیث را ذکر می کند. (همان: ۱۴۰ - ۱۹)
محقق کرکی در این زمینه می گوید:

گذشته از روایات شیعه، که از شمار بیرون است، این مسئله به تواتر رسیده و مفید یقین است. کدام حدیث در سنت از این روایت محکم تر است که روایات اهل سنت و رجال شیعه امامیه بر نقل آن اتفاق نظر دارند؟! و اگر قرار باشد که از راه سنت آن را رد کنند، هیچ روایتی در سنت نمی ماند مگر اینکه مردود باشد. (کرکی، ۱۳۸۵: ۸۵)

سیره پیامبر در معرفی مصادیق «اهل البیت»

رسول اکرم ﷺ پس از نزول آیه تطهیر، سعی وافری در جهت شناساندن هرچه بیشتر مصادیق «اهل البیت» نمودند و این معرفی را از طریق برنامه ای عملی در پیش گرفتند و طرح بسیار مناسبی پیاده کردند. ایشان هرگاه که برای نماز صبح و یا به تعبیر برخی دیگر از روایات هرگاه برای هر یک از نمازهای پنج گانه، از خانه بیرون می رفتند، ابتدا به حجره حضرت فاطمه علیها السلام می آمدند و می فرمودند: «الصلاة يا اهل البیت، انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البیت و يطهرکم تطهیرا؛ نماز، ای اهل بیت! و آنگاه آیه مبارکه تطهیر را تلاوت می فرمود». در مدت زمان اجرای این طرح، نقل های متفاوتی رسیده که دست کم زمان آن را چهل روز برشمرده اند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۴۵۰ و ۴۶۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۱۹۹) برخی از نقل ها مدت شش ماه را مطرح کرده، (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۲۴۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۶ - ۵؛ سیوطی، همان؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹ / ۲؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۸ / ۲۶۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۲۴) و برخی دیگر این سیره پیامبر را تا هفت ماه دانسته اند. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۲۳؛

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البیت» به خمسه طیبه در آیه تطهیر □ ۷۵

طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۶) عده‌ای معتقدند که حضرت هشت ماه متوالی به این کار همت گماشتند، (سیوطی، همان) و برخی نیز مدت این کار را تا نه ماه احصا کرده‌اند. (بنگرید به: همان: ۱۹۹ - ۱۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۵ / ۲۳۳ - ۲۰۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۵ و ۷؛ شوکانی، همان: ۲۷۹ - ۲۷۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲ / ۴۵۹ - ۴۵۷؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ۹ / ۱۳۸ و ۸ / ۳۵۷ - ۳۵۶؛ طوسی، بی‌تا: ۸ / ۳۰۷ و ۳۰۹؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۷۷ - ۲۷۰؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۸۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۴۶۷ و ۴۶۹) در نهایت برخی دیگر تصریح می‌کنند که پیامبر تا پایان عمر شریفشان هر صبح ساکنین خانه فاطمه علیها السلام را با ندای «اهل البیت» به نماز فرامی‌خواندند. (همان: ۴۵۶؛ مجلسی، همان: ۲۰۷)

نکته قابل توجه اینجا است که گذشته از مدت زمان طولانی که پیامبر به این کار همت گماشتند، در اغلب آنها از ترکیب‌هایی چون «کان یمر»، «کلّ غدا»، «کلّ یوم»، «لیس من مرة ... إلا»، «کلّ سحرة» و ... اشاره شده است، که افاده استمرار می‌کنند و بیانگر سیره دائمی و همیشگی پیامبر در اجرای این برنامه است.

در اینجا مناسب است که بار دیگر این جمله محقق کرکی را تکرار کنیم که اگر قرار باشد این روایات فراوان و متواتر که اهل بیت را منحصر در اصحاب کسا می‌داند و ایشان را تنها مصداق اهل بیت معرفی می‌کند، را از سنت کنار بگذاریم، دیگر هیچ روایتی باقی نمی‌ماند مگر اینکه مردود باشد.

استشهاد ائمه اطهار علیهم السلام به آیه تطهیر

یکی دیگر از نکات مهم در انحصار آیه تطهیر به خمسه طیبه، نحوه استدلال ائمه معصومین علیهم السلام به این آیه است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که کیفیت استشهاد ائمه اطهار علیهم السلام به این آیه چگونه بوده است و ایشان در اثبات انحصار این آیه به خود به چه ادله‌ای استدلال می‌کرده‌اند؟ در ادامه برای پاسخ به این پرسش به برخی از نمونه‌های استشهاد ذوات مقدس و نورانی ائمه اطهار علیهم السلام به آیه تطهیر اشاره می‌شود:

الف) استشهاد امام علی علیه السلام به آیه تطهیر در احتجاج با ابوبکر، چند روز پس از ماجرای سقیفه. (صدوق، ۱۴۰۳: ۲ / ۵۴۸)

ب) استشهاد امام علی علیه السلام به آیه تطهیر در احتجاج با ابوبکر، در ماجرای فدک. (همو، بی‌تا: ۱ / ۲۲۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰ / ۳۰۶)

ج) استشهاد امام علی علیه السلام به آیه تطهیر در روز شورا. (صدوق، ۱۴۰۳: ۲ / ۵۶۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۳۴۵)

- (د) استشهاد امام علی علیه السلام به آیه تطهیر در زمان عثمان در جمع مهاجر و انصار. (صدوق، ۱۳۹۵: ۱ / ۳۹۴؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۷۲)
- (ه) استشهاد امام حسن علیه السلام به آیه تطهیر پس از شهادت پدر بزرگوارشان، در مسجد کوفه. (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۳ / ۳۶۲)
- (و) استشهاد امام حسن علیه السلام به آیه تطهیر پس از پذیرش صلح، در سخنرانی خود در حضور معاویه. (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۶۵ - ۵۶۴)
- (ز) استشهاد امام حسن علیه السلام به آیه تطهیر پس از شفا یافتن از زخمی که مردی از بنی اسد در حال نماز به پای ایشان وارد کرد. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۳ / ۴۹۵)
- (ح) استشهاد امام سجاد علیه السلام به آیه تطهیر در هنگام اسارت در شام. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲ / ۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵ / ۱۵۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۱۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۱۶۵)
- (ط) استشهاد امام رضا علیه السلام به آیه تطهیر در جلسه مأمون. (همان: ۴۲۲ - ۴۲۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶ / ۲۵۶ - ۲۵۵)

نکته قابل تأمل این است که اولاً؛ در هیچ یک از این موارد، هیچ‌گاه مخاطبان آن خدشه وارد نکرده و معترض نشده‌اند. ثانیاً؛ هیچ‌گاه افراد دیگر را در زمره اهل بیت پیامبر وارد نکرده‌اند، بلکه افراد به محض شنیدن این مطلب سرخسوع فرود می‌آوردند و ساکت می‌شدند؛ به عبارت دیگر در آن زمان انحصار آیه تطهیر به خمسه طیبه آن قدر روشن و واضح بوده که خود این آیه محل استناد ائمه اطهار برای اثبات حقانیت خویش به‌شمار می‌آمده، نه اینکه دلیل دیگری در انحصار آیه تطهیر به خویش ارائه کنند. به دیگر سخن این مطلب در زمان معصومین علیهم السلام چون روز روشن بوده و همه مسلمانان، با همت فراوان پیامبر مصادیق اهل بیت را شناخته بودند، از این رو در آن زمان افرادی چون عکرمه و در زمان‌های بعد افراد دیگری که چشم خود را بر حقایق بستند، اصرار داشتند که حقیقت را کتمان و تاریخ را تحریف کرده و به مردم بباوراندند که این آیه تنها در شأن همسران پیامبر نازل شده است. از همین رو است که امام صادق علیه السلام به ابوبصیر می‌فرماید:

... فلو سکت رسول الله صلى الله عليه وآله فلم یبین من اهل بینه لادعاهها آل فلان و آل فلان و لکن الله عزوجل أنزله فی کتابه تصدیقاً لنبیه صلى الله عليه وآله «إِذَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ... (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۸۷)

... پس اگر پیامبر ساکت می‌بود و تبیین نمی‌کرد که چه کسی اهل بیتش به‌شمار می‌آید، قطعاً آل فلان و آل فلان مدعی قرار گرفتن در زمره اهل بیت پیامبر می‌شدند.

نتیجه

«اهل» هر فرد کسانی هستند که به سبب قرابت و نزدیکی، انس و الفت و یا به واسطه وابستگی به چیزی نظیر خانه، شهر، کار، دین و ... به آن فرد تعلق و ارتباط پیدا می‌کند. قریب به اتفاق لغویون کمترین مصداق «اهل» را همسر انسان معرفی می‌کنند و به لحاظ وابستگی و انسی که اعضای خانه به خاطر سکونت در آن دارند «اهل البیت» را ساکنین خانه تعریف می‌کنند.

با دقت فراوان در تمام موارد استفاده «اهل» در قرآن، می‌توان گفت: اولاً؛ در برخی از آیات قرآن، واژه «اهل» یا مستقیماً درباره «زن و همسر» به کار رفته و یا آنها را عضوی از اعضای خانواده مطرح کرده است و ثانیاً؛ با توجه به موارد اسناد ضمیر به واژه «اهل»، می‌توان گفت قرآن همیشه ضمیری در صیغه جمع مذکر به کلمه اهل اسناد می‌دهد.

با دقت در نظرات مفسران شیعه به روشنی می‌توان دریافت که «تغییر ضمیر» یکی از مهم‌ترین ادله اغلب علمای متقدم و متأخر شیعه مبنی بر ردّ شمول زنان پیامبر در مصداق اهل بیت در آیه تطهیر است، اما قاطبه مفسران اهل سنت با استناد به وحدت سیاق آیات، همسران پیامبر را نیز در مصداق «اهل البیت» داخل کرده و تغییر ضمیر را با قاعده «تغلیب» و یا رعایت «ظاهر لفظ اهل» توجیه می‌کنند. از این رو می‌توان گفت هرچند با دلایل متقن عقلی و نقلی می‌توان ثابت کرد اهل بیت مختص در خمسه طیبه است، ولی بی‌تردید ترکیب «اهل البیت» از لحاظ استعمالات لغوی مطلق است و می‌تواند بسیاری از وابستگان پیامبر از جمله همسران او را شامل شود، چنان‌که استعمال‌های قرآنی نیز آن را تأیید می‌کنند. با جستجو در منابع حدیثی شیعی نیز این نتیجه به دست می‌آید که ائمه اطهار علیهم‌السلام برای اثبات مدعای خود هیچ‌گاه به تغییر ضمیر، مدعای خود را اثبات نکرده‌اند.

مصداق راستین اهل البیت در پرتو توجه به موارد ذیل به دست می‌آید:

الف) شأن نزول آیه تطهیر؛

ب) سیره پیامبر در معرفی مصداق «اهل البیت»؛

ج) استشهاد ائمه اطهار علیهم‌السلام به آیه تطهیر.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

- آلوسی شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی،

تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ج ۳.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *ادب فنای مقریان*، قم، اسراء، ج ۳.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، ۱۴۰۹ ق، *تأویل الآیات الظاهره*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نورالثقلین*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳ ق، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- درویش، محیی الدین، ۱۴۱۵ ق، *اعراب القرآن و بیانه*، دمشق، دار الارشاد، ج ۴.
- دعاس، حمیدان قاسم، ۱۴۲۵ ق، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق، دار المنیر و دار الفارابی.

تحلیل مستندات اختصاص واژه «اهل البيت» به خمسه طيبه در آيه تطهير □ ۷۹

- رازی، ابوالفتح حسين بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، *بحر العلوم*، بی جا، بی نا.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین و جلال الدین محلی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدر*، دمشق، دار ابن کثیر.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۳۶۲، *الأمالی*، کتابخانه اسلامی، چ ۴.
- _____، ۱۳۹۵ ق، *کمال الدین*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۲.
- _____، ۱۴۰۳ ق، *الخصال*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- _____، بی تا، *علل الشرائع*، قم، مکتبه الداوری.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۵۰، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، فراهانی.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *الإحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ ۳.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *الأمالی*، قم، دار الثقافه.
- _____، بی تا، *التبیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۷۲، *اهل بیت در آیه تطهير*، ترجمه محمد سپهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۲.
- العکک، خالد عبدالرحمن، ۱۴۲۴ ق، *تسهیل الوصول إلى معرفة أسباب النزول*، بیروت، دار المعرفه، چ ۳.
- عنایه، غازی، ۱۴۱۱ ق، *أسباب النزول القرآنی*، بیروت، دار الجیل.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ ۲.

۸۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س ششم، پاییز ۹۴، ش ۲۳

- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۸ق، *الأصفي في تفسير القرآن*، تحقیق محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، چ ۴.
- کرکی، علی بن حسین بن عبدالعالی، ۱۳۸۵، *نفحات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت*، ترجمه ابوتراب هدایی، مشهد، شیرازگان.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار (ع)*، بیروت مؤسسه الوفاء.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الإرشاد*، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.
- _____، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر القرآن المجید*، تحقیق سید محمدعلی ایازی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

